

تحلیلی بر مؤلفه‌های ارتقای فرهنگ محیط‌زیستی مطالعه موردی: شهروندان شهر شیراز

زهرامتی^۱

سیدمحمد شبیری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱

چکیده

در سال‌های اخیر، بحران‌های محیط‌زیستی یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که در قرن حاضر بشر با آن روبه‌روست. بسیاری از دانشمندان برای کاهش بحران‌های محیط‌زیستی یا پیشگیری از آنها به راه‌حل‌های فناورانه روی آورده‌اند. با این حال، برخی از آنها، ضرورت و لزوم برقراری ارتباط و تعامل جدید بین طبیعت و انسان، و همچنین نیاز به یک فرهنگ محیط‌زیستی جدید را مطرح کرده‌اند. پژوهش حاضر بر آن است تا فرهنگ محیط‌زیستی و عوامل مؤثر بر آن را در شهر شیراز بررسی کند. این تحقیق با استفاده از روش پیمایش، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و بهره‌گیری از پرسش‌نامه انجام شده است. در مجموع، ۴۰۲ پرسش‌نامه کامل جمع‌آوری شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فرهنگ محیط‌زیستی با متغیرهای امکانات و خدمات ارائه‌شده، احساس کارآمدی و آموزش محیط‌زیستی رابطه‌ای مثبت و معنادار دارد و با متغیرهای دانش محیط‌زیستی و هنجار اجتماعی دارای رابطه‌ای غیرمعنادار است. نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره بین متغیرهای مستقل و فرهنگ محیط‌زیستی نشان می‌دهد که از بین متغیرهای واردشده در مدل، دو متغیر فرصت‌ها و امکانات ارائه‌شده و احساس کارآمدی معنادار هستند. **کلیدواژه:** محیط‌زیست، فرهنگ محیط‌زیستی، احساس کارآمدی، امکانات، آموزش.

۱. دانشجوی دکتری آموزش محیط‌زیست، دانشگاه پیام نور تهران (نویسنده مسئول). z.hemmati.89@gmail.com
۲. دانشیار گروه آموزش محیط‌زیست، دانشگاه پیام نور تهران. smshobeiri@yahoo.com

وقایع و رخداد‌های تلخ در حوزه محیط‌زیست در سال‌های اخیر، بر نگرانی‌ها و بیم‌ها در خصوص زیست‌بوم افزوده است. مشکلات محیط‌زیستی جهانی درباره منابع طبیعی، آلودگی هوا، آب، خاک، از بین رفتن تنوع زیستی، انقراض موجودات، افزایش بلایا و حوادث طبیعی زندگی مردم جهان را با چالش‌های جدید و جدی‌ای مواجه کرده است، چالش‌هایی که متأثر از فعالیت‌های انسانی در نقاط مختلف کره زمین بوده است. کشور ما نیز از این چالش‌ها، معضلات و نگرانی‌ها مصون نبوده است. مؤسسه «صلح جهانی» می‌نویسد: «در حال حاضر خطری که از جانب بحران قریب‌الوقوع محیط‌زیستی ایران احساس می‌شود، به مراتب بیش از خطر دشمنان خارجی و منازعات سیاسی داخلی است. شاخص عملکرد محیط‌زیستی سال ۲۰۱۴ که از سوی دانشگاه بیل و کلمبیا انجام شده و ۲۲ فاکتور محیطی چون منابع آب، آلودگی هوا، تنوع زیستی، تغییرات آب‌وهوایی را مورد بررسی قرار داده بود، ایران از میان ۱۷۸ کشور مورد مطالعه، در جایگاه ۸۳ قرار گرفت» (گزارش شاخص عملکرد محیط‌زیستی، ۲۰۱۵).

حساس شدن محیط‌زیست، ناپایداری، آلودگی، گرم شدن کره زمین، تغییرات آب‌وهوایی، گازهای گلخانه‌ای و... فقط عبارات ساده‌ای هستند که از هم‌زیستی کنترل‌نشده و تهاجمی در حال ظهور بین محیط‌زیست طبیعی و محیط‌زیست ساخته‌شده به وجود آمده‌اند. «به نظر می‌رسد، بحران محیط‌زیستی یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که بشر در قرن حاضر با آن روبه‌روست. تغییر در آب‌وهوا، کاهش تنوع زیستی، تخریب محیط‌زیست، و فجایع به‌وجودآمده ناشی از آن، کمبود آب، و بسیاری دیگر از مشکلات، واقعیت‌هایی هستند که تغییراتی را در الگوهای زندگی نسل حاضر ایجاد کرده‌اند و آینده را نیز تحت تأثیر قرار خواهند داد. شیوه رویارویی با این بحران محیط‌زیستی قطعاً در کیفیت زندگی نسل حاضر و آتی تعیین‌کننده است. با این حال محدوده عمل وسیع نیست...» (ایزاک مارکز^۱ و همکاران، ۲۰۱۱: ۳). بسیاری از این مشکلات محیط‌زیستی در فقدان آگاهی و ضعف فرهنگی، در ارتباط بین انسان و طبیعت ریشه دارد (شبییری و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۲). در این جهان به‌سرعت در حال تغییر، یکی از تغییرات بسیار مهم در تفکر معاصر، بازنگری در درک افراد از رابطه بین انسان و طبیعت است. علاوه بر این، بحران محیط‌زیستی نیاز ضروری به یک مفهوم جدید از ارتباط بین طبیعت و انسان، بین محیط طبیعی و محیط انسان‌ساخته و همچنین نیاز به یک فرهنگ محیط‌زیستی جدید را مطرح می‌سازد.



1. Environmental Performance Index (EPI)
2. Márquez

با توجه به حساسیت‌ها و نگرانی‌های ایجادشده در زمینه بحران محیط‌زیست، دانشمندان بسیاری در جهان شیوه‌های متنوعی را برای کاهش آسیب‌های به‌وجودآمده برای زمین ارائه کرده‌اند. اما نکته قابل توجه این است که بسیاری از دانشمندان به جای اینکه تغییری در الگوهای رفتاری و انتخاب سبک زندگی جدید متناسب با تحولات محیط‌زیستی را پیشنهاد کنند به راه‌حل‌های فناورانه روی آورده‌اند. در واقع همان‌طور که راجپوت^۱ و باجاج^۲ (۲۰۱۱: ۵۹) اشاره و تأکید می‌کنند «راه‌حل مشکلات محیط‌زیستی صرفاً بر دوش فناوری نیست». علی‌رغم اینکه امروزه فناوری‌های پاک عامل مهمی در حل و فصل بسیاری از فشارهای محیط‌زیستی محسوب می‌شوند، برخی از دانشگاهیان و سیاست‌گذاران حامی محیط‌زیست توافق دارند که تغییر رفتار افراد از طریق تغییرات عمیق‌تر در جامعه نیز نقشی حیاتی ایفا می‌کند (جکسون^۳ و میکایل^۴، به نقل از ویلیوویت^۵، ۲۰۰۹: ۱). همان‌طور که ساندرز^۶ و همکاران (۲۰۰۶: ۷۰۳) اظهار داشته‌اند، «گذار به پایداری جهانی، نیازمند تغییر در ارزش‌های انسانی، نگرش‌ها و رفتارها است». متناسب با رویکرد مبتنی بر تغییر سبک زندگی و رفتار ضد محیط‌زیستی، بسیاری از دانشمندان، سازمان‌ها و افراد نگران در سراسر جهان فراخوان‌هایی برای تغییر فوری و اساسی فرهنگ و رفتار انسانی و به‌کارگیری فناوری‌های سازگار با محیط‌زیست به‌منظور حفظ سیستم‌های حمایت‌کننده حیات زمین ارائه کرده‌اند (ویلیوویت، ۲۰۰۹: ۱). با توجه به مطالب فوق، به نظر می‌رسد که در کشور ما نیز وضعیت محیط‌زیستی به‌سرعت به مرحله بحران رسیده و این در حالی است که در مقایسه با جوامع غربی، فرهنگ محیط‌زیستی در بین مردم متناسب با عمق فاجعه و بحران شکل نگرفته است. در این شرایط به نظر می‌رسد بررسی ارزش‌ها، رفتارها و سبک زندگی شهروندان و درک فرهنگ محیط‌زیستی بهترین گزینه برای یک پژوهش علمی باشد. سؤالی که این پژوهش قصد دارد به آن پاسخ دهد این است که مؤلفه‌های ارتقای فرهنگ محیط‌زیستی در ایران چیست و چگونه قابل حصول است. بنابراین، پژوهش حاضر بر آن است که نه تنها فرهنگ محیط‌زیستی در جامعه ایران را بررسی کند، بلکه به شناخت عوامل تأثیرگذار احتمالی بر آن نیز بپردازد.

مرور پژوهش‌های پیشین

پژوهش حمیدیان (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که ۸۴ درصد از دانشجویان فاقد سطح مطلوب دانش محیط‌زیستی هستند. ۸۶ درصد از آنها توجه چندانی به محیط‌زیست ندارند. ۸۱ درصد از آنها

1. Rajput
2. Bajaj
3. Jackson
4. Michael
5. Willuweit
6. Michael



خبرهای محیط‌زیستی را به صورت مداوم دنبال نمی‌کنند. تنها ۳ درصد از آنها عضو گروه‌های حامی محیط‌زیست هستند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که با بالا رفتن مقطع تحصیلی دانشجویان، سطح فرهنگ محیط‌زیستی، دانش و آگاهی آنها نیز افزایش می‌یابد. دانشجویان دختر از نظر دانش، اخلاق و آگاهی محیط‌زیستی در قیاس با پسران در سطح بالاتری قرار دارند. شاهنوشی و عبداللهی (۱۳۸۶) به تحلیل فرهنگ محیط‌زیستی و برخی از عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. یافته‌های آنها گویای آن است که تقریباً ۲۰ درصد شهروندان آگاهی محیط‌زیستی پایین، ۷۰ درصد متوسط و ۱۰ درصد آگاهی محیط‌زیستی بالایی دارند. همچنین، رابطه متغیرهای سن، سطح تحصیلات، محل تولد، بومی بودن، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و نزدیکی با طبیعت با متغیر فرهنگ محیط‌زیستی مورد تأیید قرار گرفته است. در این پژوهش فرهنگ محیط‌زیستی معادل سه مؤلفه آگاهی، نگرش و رفتار محیط‌زیستی در نظر گرفته شده است. کمالی مهاجر و فراهانی (۱۳۹۱) معتقدند که مصادیق ناپایداری مانند استفاده نامناسب از انرژی، بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی، فقر، افزایش جمعیت، الگوهای نادرست تولید و مصرف، افزایش آلودگی‌ها عمدتاً مشکلات محیط‌زیستی محسوب می‌شوند. بنابراین حفاظت از محیط‌زیستی جزء تفکیک‌ناپذیر توسعه پایدار به‌شمار می‌آید. آنها بر این باورند که فرهنگ عامل تعیین‌کننده رفتارهای افراد یک جامعه است و رفتارهای محیط‌زیستی نیز از این امر مستثنی نیستند. امروزه مسائل محیط‌زیستی عمیقاً دارای مفهوم اجتماعی‌اند و درکل ریشه فرهنگی دارند. باطبی و سلطانی (۱۳۹۲) به نقش کلیدی زنان در آموزش و فرهنگ‌سازی توجه و بر مشارکت زنان در نهادینه کردن فرهنگ محیط‌زیستی تأکید کرده‌اند. به اعتقاد ایشان، شناخت عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در توسعه پایدار، اجرای پروژه‌ها و برنامه‌های آموزش محیط‌زیست به‌منظور توانمندسازی آنها در مدیریت محیط‌زیست بسیار بااهمیت است. نتایج پژوهش شوماخر^۱ (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که جوامع با ثروت کم نمی‌توانند آزادانه برای فرهنگ محیط‌زیستی هزینه کنند. در واقع، جامعه تنها می‌تواند در حفظ محیط‌زیست سرمایه‌گذاری کند به شرط اینکه کیفیت محیط‌زیست در سطح نامناسبی قرار داشته باشد. جامعه‌ای که به سطح خاصی از توسعه اقتصادی دست می‌یابد، ممکن است بخشی از ثروتش را در راه توسعه فرهنگ محیط‌زیستی صرف کند. زمانی که کیفیت محیط‌زیستی و ثروت هر دو در سطح بالایی قرار داشته باشند، جامعه ممکن است موقتاً سرمایه‌گذاری هنگفت در فرهنگ



محیط‌زیستی را مطلوب بداند. برای جوامعی که از کیفیت محیط‌زیستی پایینی برخوردارند، سرمایه‌گذاری در فرهنگ ممکن است حلقه‌ بازخوردی مثبتی را القا کند. ایزاک مارکوئز و همکاران (۲۰۱۱) فرهنگ محیط‌زیستی را مجموعه‌ای از نگرش، نیت‌های رفتاری و دانش محیط‌زیستی در نظر گرفته‌اند. آنها برای سنجش فرهنگ محیط‌زیستی از پرسش‌نامه «پیمایش سواد محیط‌زیستی ویسکانسین»^۱ بهره گرفته‌اند. این ابزار در چندین کشور برای سنجش سطح فرهنگ محیط‌زیستی استفاده شده است. پرسش‌نامه شامل پنج قسمت است: ۱. اطلاعات عمومی (محل تولد، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، سن و جنس)؛ ۲. نگرش (تمایل به پاسخ برای مشکلات محیط‌زیستی)؛ ۳. نیت‌های رفتاری (میزان فعالیت‌های محیط‌زیستی)؛ ۴. دانش محیط‌زیستی (مفاهیم محیط‌زیستی پایه، دانش درباره موضوعات محیط‌زیستی)؛ و ۵. اهمیت آموزش برای توسعه پایدار (کیفیت آموزش محیط‌زیستی و اهمیت آن برای جامعه). نتایج نشان داده است که دانش‌آموزان سطح پایینی از آگاهی محیط‌زیستی دارند و فاقد دانش و مهارت لازم برای ایجاد تغییرات دوستدار محیط‌زیست در سبک زندگی‌شان هستند. گرچه آنها به موضوعات محیط‌زیستی از خود علاقه نشان می‌دهند، اما عوامل سازمانی و سطح پایین شایستگی معلمان‌شان موانع اصلی برای دانش‌آموزان به‌شمار می‌آید. متکالف^۲ (۲۰۱۲) معتقد است که وجود برنامه‌های آموزشی محیط‌زیستی می‌تواند پیش‌فرض‌های مشترک ذهنی درباره اهمیت محیط‌زیست را تغییر دهد که این موضوع متعاقباً فرهنگ محیط‌زیستی سازمان را تغییر می‌دهد. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد که «آموزش محیط‌زیستی» با فرهنگ محیط‌زیستی ارتباط مثبتی دارد. «اهداف محیط‌زیستی» بر فرهنگ محیط‌زیستی مؤثر است و «حمایت مدیریتی از طرح‌های محیط‌زیستی» با فرهنگ محیط‌زیستی نیز رابطه مثبت دارد.

با مرور پیشینه تحقیق می‌توان سرنخ‌هایی را درباره عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ محیط‌زیستی به دست آورد. شاهنوشی و عبداللهی (۱۳۸۶) آگاهی، نگرش و رفتار محیط‌زیستی را اجزای تشکیل‌دهنده فرهنگ محیط‌زیستی معرفی کرده‌اند. ایزاک مارکوئز و همکاران (۲۰۱۱) فرهنگ محیط‌زیستی را مجموعه‌ای از نگرش‌ها، نیت‌های رفتاری و دانش محیط‌زیستی در نظر گرفته‌اند. متکالف (۲۰۱۲) فرهنگ محیط‌زیستی را پیش‌فرض‌هایی ذهنی در نظر گرفته است که می‌توانند تفاسیر، اهمیت و رفتار درباره موضوعات محیط‌زیستی را هدایت کنند.

1. Wisconsin Environmental Literacy Survey

2. Metcalf



چارچوب نظری

در خصوص فرهنگ محیط‌زیستی و عناصر تشکیل دهنده آن نظریات مختلفی مانند مدل خطی US اولیه، نظریه‌های سازگاری، مدل رفتار محیط‌زیستی مسئولانه، نظریات تأثیرات هنجاری شخصی بر نوع دوستی، مدل نوع دوستی، همدردی و رفتار اجتماعی، مدل چندگانه، مدل جامعه‌شناختی رفتار محیط‌زیستی و مدل یکپارچه نگرش و انتخاب رفتار وجود دارد. اغلب این نظریه‌ها دارای تشابهات بسیار زیادی با یکدیگر هستند، به گونه‌ای که اختلافات اندکی بین آنها مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد که این نظریات برای اصلاح و رفع مشکل نظریات قبلی مطرح شده‌اند. در واقع، به دلیل گستردگی مفروضات نظریات، در تحقیق حاضر برخی از آنها مورد استفاده قرار خواهند گرفت و با استفاده از گزاره‌های آنها چارچوب نظری ساخته خواهد شد.

«مدل جامعه‌شناختی رفتار محیط‌زیستی» بر این اشاره دارد که نگرش‌ها، امکانات برای رفتار محیط‌زیستی (مانند عوامل بیرونی، زیربنایی و اقتصادی که می‌تواند مردم را قادر به رفتارهای محیط‌زیستی کند یا مانع از آنها شود) و دانش بر رفتارهای محیط‌زیستی تأثیرگذارند. البته آنها متذکر شده‌اند که دانش بر رفتار مستقیماً تأثیر نمی‌گذارد، بلکه به‌عنوان تغییردهنده نگرش عمل می‌کند (فیتکائو^۱ و کسل^۲، به نقل از کولموس^۳ و آژمین^۴، ۲۰۰۲: ۲۴۶). علاوه بر این، در نظریه «کنش بخردانه» آمده است که به‌منظور یافتن همبستگی بین نگرش و رفتار، باید نگرش به آن رفتار خاص سنجیده شود، نه نگرش محیط‌زیستی کلی به رفتاری خاص. از سوی دیگر در نظریه «رفتار محیط‌زیستی مسئولانه» به عامل فشارهای اجتماعی و فرصت‌هایی برای انتخاب فعالیت‌های متفاوت اشاره شده است که بر رفتار مؤثر هستند (کولوموس و آژمین، ۲۰۰۲: ۲۴۴). بر طبق «مدل چندگانه: انگیزه، توانایی، فرصت و رفتار» رفتار محیط‌زیستی علاوه بر انگیزه و فرصت از عامل توانایی‌های فردی (از جمله دانش و آگاهی) نیز تأثیر می‌پذیرد (اولاندر^۵ و توجرسن^۶، به نقل از پیٹیکاینن^۷، ۲۰۰۷: ۱۵).

فرهنگ محیط‌زیستی دارای مؤلفه‌های سه‌گانه است. این مؤلفه‌ها شامل نگرش محیط‌زیستی، احساس مسئولیت محیط‌زیستی و رفتار (عملکرد) محیط‌زیستی می‌شود. هرچند دو مؤلفه



فصلنامه علمی - پژوهشی

۲۰۲

دوره هشتم

شماره ۴

زمستان ۱۳۹۴

1. Fietkau
2. Kessel
3. Kollmuss
4. Agyeman
5. Ölander
6. Thøgersen
7. Pietikäinen

ابتدایی (یعنی نگرش محیط‌زیستی و احساس مسئولیت محیط‌زیستی) به‌نوبه خود بر رفتار محیط‌زیستی تأثیر گذار هستند، ترکیب این سه مؤلفه، فرهنگ محیط‌زیستی یک جامعه را نشان می‌دهد. با توجه به نظریات و پیشینه تجربی موجود می‌توان فرض را بر این گرفت که عوامل بسیاری بر این فرهنگ محیط‌زیستی و مؤلفه‌های آن تأثیر گذارند. دانش محیط‌زیستی، البته هم به‌صورت عام، و هم به‌صورت خاص در نگرش فرد به محیط‌زیست تأثیر دارد. فشار هنجاری (هنجار اجتماعی) ممکن است باعث تأثیرگذاری بر تغییر نگرش و یا رفتار فرد در قبال محیط‌زیست گردد. امکانات و خدمات ارائه‌شده برای شهروندان در راستای انجام رفتارهای محیط‌زیستی در سطح شهرها می‌تواند عامل مهمی در شکل‌گیری فرهنگ محیط‌زیستی به‌ویژه بروز رفتار محیط‌زیستی باشد. به نظر می‌رسد که احساس کارآمدی عامل دیگری است که فرهنگ محیط‌زیستی و مؤلفه‌های آن را تحت شعاع قرار خواهد داد.

با توجه به مطالعات پیشین و چارچوب نظری پژوهش، تعریف و تحدید متغیرها به‌صورت زیر خواهد بود:

۱. **فرهنگ محیط‌زیستی:** پارسونز و کروپر، فرهنگ را به‌مثابه یک سیستم سمبلیک معنایی معرفی کرده‌اند؛ سیستمی که توان به کارگیری و اعمال تحلیل فرهنگی را در هر حوزه از فعالیت اجتماعی دارد (ربانی و ماهر، ۱۳۹۱: ۶۴). لیتون^۱ فرهنگ را «جمع کل دانش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای رفتار عادی مشترک و منتقل شده توسط اعضای یک جامعه خاص» توصیف می‌کند. فرهنگ پتانسیل زیادی برای تأثیر بر محیط‌زیست دارد. بنابراین، بدیهی است که فرهنگ نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی به چگونگی نگاه ما، ارزش‌دهی و به دنبال آن مواجه شدن با معاملاتی که بر محیط‌زیست تأثیر می‌گذارند، دارد. ما این نوع خاص از فرهنگ را که با چگونگی رفتار بشر با سیاره زمین مرتبط است، فرهنگ محیط‌زیستی می‌نامیم (شوماخر، ۲۰۱۳: ۶ و ۷).

۲. **دانش محیط‌زیستی:** دانش محیط‌زیستی، شامل اطلاعاتی که افراد درباره محیط‌زیست، و معضلات محیطی، عوامل مؤثر در گسترش آن، و همچنین اطلاعات در مورد آنچه فرد می‌تواند برای بهبود این وضعیت انجام دهد، می‌شود (شیری و همکاران (ب)، ۱۳۹۲: ۲۵).

۳. **هنجار اجتماعی:** هنجارها شکل معینی از عمل هستند که مورد توافق و قرارداد جمع هستند. البته همه باورهای مشترک به هنجار تبدیل نمی‌شوند (افقی و صادقی، ۱۳۸۸: ۶۶). برخی از محققان هنجارهای اجتماعی را مؤلفه مفیدی برای درک بهتر رفتار اجتماعی انسان تلقی می‌کنند (میتون^۲ و رز^۳، ۱۹۹۷). بااین‌حال، انواع مختلفی از هنجارهای اجتماعی وجود دارد، یکی

1. Linton
2. Minton
3. Rose



از آنها هنجار شخصی است که با مفهوم از خود^۱ مرتبط است و به‌عنوان یک احساس تعهد اخلاقی تجربه می‌شود (میتون و رز، ۱۹۹۷ و شوارتز^۲، ۱۹۷۳). هنجارهای شخصی اشاره به اظهاراتی دارند در مورد اینکه فرد چگونه باید رفتار کند (به‌طور کلی) و یا اینکه فرد معتقد است چگونه باید با توجه به دیگران و محیط‌زیست رفتار کند (دیتز^۳ و همکاران، ۲۰۰۵).

۴. امکانات و خدمات ارائه‌شده: در دسترس بودن زیرساخت‌های لازم و مؤثر که افراد برای رفتار مناسب به آنها نیاز دارند و در واقع زیرساخت‌ها و فرصت‌های ضروری در حفاظت از محیط‌زیست هستند.

۵. احساس کارآمدی: نشان‌دهنده ادراک فرد از توانایی خود در ایجاد تغییرات از طریق رفتارش است. هاینس^۴ و همکاران (۱۹۸۶) این احساس را تحت عنوان «حوزه کنترل» مطرح کرده‌اند. به‌زعم آنها، افرادی که حوزه کنترل درونی قوی‌ای دارند، معتقدند که فعالیت‌هایشان می‌تواند تغییراتی را ایجاد کند. از سوی دیگر، افراد با یک حوزه کنترل بیرونی، احساس می‌کنند که فعالیت‌هایشان مهم است، با این حال، احساس می‌کنند که تغییرات فقط توسط افراد قدرتمند می‌تواند ایجاد شود.

۶. آموزش محیط‌زیستی: آموزش محیط‌زیست بر تلاش‌های سازمان‌یافته انسان در خصوص عملکرد محیط‌های طبیعی دلالت دارد و اینکه چگونه بشر می‌تواند با رفتارها و نیز حفظ توان اکوسیستم اطراف خود، یکی زندگی پایدار را مدیریت کند. این مفهوم نه تنها برای سیستم آموزش مدارس به کار می‌رود، بلکه برای تمام تلاش‌های همگانی در زمینه آموزش از جمله انواع موارد چاپی، نظیر روزنامه، مجله، برشور، وب‌گاه‌ها، رسانه‌ها و غیره کاربرد دارد (اسمیت، به نقل از شبیری و همکاران (الف)، ۱۳۹۲: ۳۰).

فرضیات

- دانش محیط‌زیستی بر فرهنگ محیط‌زیستی تأثیر دارد.
- هنجار اجتماعی بر فرهنگ محیط‌زیستی تأثیر دارد.
- امکانات و خدمات ارائه‌شده بر فرهنگ محیط‌زیستی تأثیر دارد.
- احساس کارآمدی بر فرهنگ محیط‌زیستی تأثیر دارد.
- آموزش محیط‌زیستی بر فرهنگ محیط‌زیستی تأثیر دارد.

1. self- concept
2. Schwartz
3. Dietz
4. Hines



روش تحقیق

از لحاظ منطق روش شناختی، این پژوهش از نوع تحقیقات پیمایشی است. با توجه به ماهیت موضوع تحقیق و مفاهیم و متغیرهای آن، داده‌های موردنیاز تحقیق از طریق تکنیک پرسش‌نامه توأم با مصاحبه حضوری به روش میدانی جمع‌آوری شده است. این پرسش‌نامه در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول پرسش‌نامه شامل سؤالاتی است که به بررسی متغیرهای مستقل و وابسته می‌پردازد. بخش دوم شامل سؤالاتی در مورد ویژگی‌های پاسخگویان است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه ساکنان شهر شیراز می‌شود. تعداد نمونه‌های محاسبه‌شده بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر است. با توجه به تعدد مناطق شهرداری شهر شیراز و همچنین محدودیت منابع، از میان مناطق ده‌گانه شیراز، چهار منطقه به‌طور تصادفی انتخاب شد. سپس از هر منطقه متناسب با حجم آن، نمونه‌گیری خوشه‌ای انجام شد؛ بدین صورت که در هر منطقه، نشانی خیابان‌ها مشخص شد و سپس از بین آنها نمونه‌گیری صورت گرفت. در هر خیابان نیز از بلوک‌ها به شیوه نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند و از بین خانه‌ها و افراد خانه نمونه‌گیری تصادفی ساده به عمل آمد. در هر منطقه برای افزایش دقت، تعداد بیشتری پرسش‌نامه نسبت به تعداد تعیین‌شده جمع‌آوری شد و در نهایت حجم نمونه به ۴۰۲ نفر افزایش پیدا کرد. برای توصیف و تحلیل داده‌ها با به‌کارگیری نرم‌افزار آماری SPSS از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در تحقیق حاضر برای اطمینان از اعتبار ابزار سنجش، با بهره‌گیری از نظرات داوران متخصص در حوزه موضوع تحقیق، ابتدا اعتبار صوری سؤالات پرسش‌نامه سنجیده شد. علاوه بر استفاده از نظرات متخصصان، تلاش شد تا در طراحی سؤالات پرسش‌نامه از سؤالات مشابهی که در تحقیقات دیگر استفاده شده‌اند، بهره گرفته شود. در تحقیق حاضر برای اطمینان از پایایی نتایج، روش آلفای کرونباخ، مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفا
فرهنگ محیط‌زیستی	۵۶	۰/۷۲۰
دانش محیط‌زیستی	۱۴	۰/۸۶۱
هنجار اجتماعی	۷	۰/۷۳۳
احساس کارآمدی	۹	۰/۵۳۳
امکانات و خدمات ارائه‌شده	۱۵	۰/۶۴۹
آموزش محیط‌زیستی	۱۲	۰/۵۴۹



یافته‌ها

سیمای جامعه آماری

۵۷/۷ درصد از پاسخگویان زن و ۴۲/۱ درصد مرد هستند. ۴۲/۸ درصد از پاسخگویان مجرد و ۵۳/۳ درصد متأهل هستند. پاسخگویان به لحاظ سنی در شش گروه دسته‌بندی شده‌اند. بیشترین افراد (۴۲ درصد) در گروه سنی ۲۰-۳۰ سال قرار دارند. کمترین پاسخگویان (۳ درصد) در گروه سنی بالای ۶۰ سال قرار دارند. همچنین، میانگین سنی پاسخگویان ۳۰/۸۹ سال است که گویای جوان بودن جامعه آماری است.

توصیف متغیرها

آماره‌های مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق در جدول شماره ۲ آمده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین متغیر فرهنگ محیط‌زیستی در جامعه آماری مورد بررسی در حد متوسط به بالا است.

جدول ۲. شاخص‌های آماری مفاهیم و متغیرهای اصلی تحقیق

ردیف	مقیاس / متغیر / مفهوم	حداقل و حداکثر نمره	میانگین	خطای معیار میانگین ^۱	انحراف معیار ^۲
۱	فرهنگ محیط‌زیستی	۵-۱	۳/۳۵	۰/۰۴۶	۰/۹۱۱
۲	دانش محیط‌زیستی	۱-۰	۰/۲۷	۰/۰۱۲	۰/۲۵۶
۳	احساس کارآمدی	۵-۱	۳/۲۸	۰/۰۲۸	۰/۵۶۵
۴	هنجارهای اجتماعی	۵-۱	۱/۶۳	۰/۰۲۷	۰/۵۴۶
۵	آموزش محیط‌زیستی	۴-۰	۱/۱۷	۰/۰۱۸	۰/۳۷۵
۶	فرصت‌ها و امکانات ارائه‌شده	۵-۱	۲/۳۷	۰/۰۲۳	۰/۴۷۱



فصلنامه علمی - پژوهشی

۲۰۶

دوره هشتم

شماره ۴

زمستان ۱۳۹۴

همچنین، یافته‌ها حاکی از آن است که دانش، هنجارهای اجتماعی و آموزش محیط‌زیستی شهروندان شهر شیراز در سطح پایینی قرار دارند. متغیر فرصت‌ها و امکانات ارائه‌شده در سطح متوسط به پایین و متغیر احساس کارآمدی در سطح متوسط هستند.

آزمون فرضیات

رابطه بین فرهنگ محیط‌زیستی و متغیرهای مستقل پژوهش با استفاده از آزمون آماری پیرسون

1. std. error of mean

2. std. deviation

سنجیده شده و نتایج این آزمون در جدول شماره ۳ نمایش داده شده است. یافته‌های آزمون حاکی از آن است که رابطه بین متغیرهای امکانات و خدمات ارائه‌شده، احساس کارآمدی و آموزش محیط‌زیستی با فرهنگ محیط‌زیستی در سطح ۹۹ درصد اطمینان مثبت و معنادار است. یعنی هرچه سطح امکانات و خدمات ارائه‌شده، احساس کارآمدی و آموزش محیط‌زیستی بالاتر باشد، فرهنگ محیط‌زیستی نیز بالاتر است. در بین متغیرهای مستقل، متغیر احساس کارآمدی دارای بیشترین شدت و ضریب همبستگی با فرهنگ محیط‌زیستی است.

جدول ۳. ضرایب همبستگی پیرسون بین فرهنگ محیط‌زیستی و متغیرهای مستقل

متغیر	فرهنگ محیط‌زیستی		
	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
دانش محیط‌زیستی	۰/۰۱۱	۰/۸۲۸	۴۰۲
هنجار اجتماعی	۰/۰۴۹	۰/۳۳۱	۴۰۲
امکانات و خدمات ارائه‌شده	۰/۱۷۶	۰/۰۰۰	۴۰۲
احساس کارآمدی	۰/۲۲۲	۰/۰۰۰	۴۰۲
آموزش محیط‌زیستی	۰/۱۳۴	۰/۰۰۷	۴۰۲



یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد که بین متغیرهای دانش محیط‌زیستی و هنجار اجتماعی با فرهنگ محیط‌زیستی در سطح ۹۹ درصد اطمینان رابطه معناداری وجود ندارد. برای دستیابی به هدف تحقیق، یعنی بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ محیط‌زیستی از آزمون رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول شماره ۴ نمایش داده شده است.

جدول ۴. رگرسیون خطی چندمتغیره متغیرهای مستقل با متغیر فرهنگ محیط‌زیستی

متغیرهای مستقل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده (Beta)	مقدار t	سطح معناداری
	ضریب رگرسیونی (B)	خطای معیار (Std. Error)			
مقدار ثابت	-۰/۷۱۹	۰/۱۲۰	-	-۵/۹۹۱	۰/۰۰۰
فرصت‌ها	۰/۱۰۴	۰/۰۳۳	۰/۱۵۴	۳/۱۶۱	۰/۰۰۲
احساس کارآمدی	۰/۱۱۷	۰/۰۲۷	۰/۲۰۶	۴/۲۷۵	۰/۰۰۰
آموزش محیط‌زیستی	۰/۰۷۵	۰/۰۴۲	۰/۰۸۸	۱/۸۱۱	۰/۰۷۱
ضریب همبستگی (R) = ۰/۲۹۱					
ضریب تعیین مدل (مجذور R) = ۰/۰۸۴					

نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره بین متغیرهای مستقل و فرهنگ محیط‌زیستی نشان می‌دهد که از بین متغیرهای وارد شده در مدل، دو متغیر فرصت‌ها و امکانات ارائه شده و احساس کارآمدی معنادار هستند. بر اساس ضرایب استاندارد شده، متغیر احساس کارآمدی بیشترین تأثیر (ضریب استاندارد = ۰/۲۰۶) را بر متغیر فرهنگ محیط‌زیستی نشان می‌دهد. در نهایت، نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که تنها ۸/۴ درصد (ضریب تعیین = ۰/۰۸۴) از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل پژوهش تبیین شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که یافته‌های پژوهش نشان داد، میانگین فرهنگ محیط‌زیستی اندکی بالاتر از حد متوسط را نشان می‌دهد، با این حال، این سطح رفتار محیط‌زیست‌گرایانه چندان رضایت‌بخش به نظر نمی‌رسد. در واقع، محیط‌زیست، فرهنگی بهتر و مسالمت‌آمیزتر را می‌طلبد. از سویی، با توجه به خوداظهاری بودن فرهنگ توسط پاسخگویان، نمی‌توان فرهنگ محیط‌زیستی در حد متوسط را پذیرفت، چراکه ممکن است افراد در عمل به گونه دیگری رفتار کنند. وانگ^۱ و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند که سطح پایین گرایش به مشارکت در مسائل محیط‌زیستی به عواملی مانند منافع اقتصادی، راحتی و امکانات موجود برای بازیافت مرتبط است. به نظر می‌رسد عواملی که آنها متذکر شده‌اند می‌توانند در مورد جامعه آماری این پژوهش نیز صدق کنند. با توجه به تعریف هنجار اجتماعی که اشاره به اعتقاد فرد برای رفتار - در اینجا محیط‌زیست- با توجه به نظر دیگران دارد، به نظر می‌رسد که از این متغیر می‌توان استفاده کرد. به عبارت دیگر، با بهره‌گیری از این امتیاز می‌توان فرهنگ محیط‌زیستی را ارتقا داد. وقتی افراد رفتار محیط‌زیستی و احساس مسئولیت دیگران را مشاهده می‌کنند و یا با نگرش مثبت آنها مواجه می‌شوند، خواسته یا ناخواسته تغییر نگرش یا رفتار خواهند داشت. با این حال، در این مطالعه، هنجار اجتماعی میانگین نسبتاً پایینی را نشان می‌دهد. میانگین دانش محیط‌زیستی بسیار کمتر از سطح متوسط به دست آمده است. کریم‌زاده (۱۳۸۹) و عبداللهی (۱۳۸۶) نیز اظهار کرده‌اند که میزان دانش و آگاهی شهروندان در سطح متوسطی قرار دارد. نتایج این پژوهش و سایر مطالعات نشان می‌دهد که دانش محیط‌زیستی وضعیت چندان رضایت‌بخشی ندارد. بنابراین، نیاز به افزایش دانش و آگاهی و اجرای طرح‌هایی - به شیوه‌های مختلف و



در بین گروه‌های متفاوت- برای افزایش آگاهی افراد در زمینه محیط‌زیست محسوس است. توصیفی از نظر پاسخگویان در مورد فرصت‌ها و امکانات ارائه شده است که امکانات و فرصت‌های لازم اندکی پایین‌تر از سطح متوسط قرار دارد. این یافته نشان‌دهنده نامناسب بودن امکانات و زیرساخت‌های لازم برای بروز رفتارهای محیط‌زیستی به‌عنوان یکی از ابعاد فرهنگ محیط‌زیستی است. امامقلی (۱۳۹۰: ۵۳) نیز معتقد است که «برای انجام هر کنش مثبتی نسبت به محیط‌زیست لازم است که وسایل و امکاناتی مهیا باشد تا فرد تحت وجود آن شرایط بتواند به کنش مسئولانه نسبت به محیط‌زیست بپردازد». در واقع، نبود فرصت و امکانات لازم می‌تواند عاملی برای رفتارهای غیرمحیط‌زیست‌گرایانه افراد به‌شمار رود. صالحی و همتی (۱۳۹۱) در بررسی خود به این نکته دست یافته‌اند که فقدان امکانات مرتبط با دفع زباله‌های الکترونیکی مانع از اقدام مناسب افراد می‌شود.



همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین احساس کارآمدی در سطح مناسبی قرار دارد. در واقع، افراد به کارآمد بودن و تأثیر اعمال و اقدامات محیط‌زیست‌گرایانه اذعان دارند. افراد به این باور دارند که خود یا دیگری- افراد یا مسئولان- توانایی مقابله با رفتارهای حمایت‌کننده از محیط‌زیست یا ترغیب برای آن را دارند. به نظر می‌رسد که می‌توان از این فرصت در راستای ارتقای فرهنگ محیط‌زیستی در جامعه بهره گرفت. چراکه افراد با وجود نگرش مثبت و حتی احساس مسئولیت زیاد، زمانی که احساس کنند رفتارشان تأثیری در بهبود شرایط موجود یا تغییر وضعیت ندارد، دلسرد می‌شوند و تلاشی برای رفتارهای مناسب و حامی محیط‌زیست نخواهند کرد. علاوه بر این، میانگین آموزش محیط‌زیستی در این پژوهش وضعیت رضایت‌بخشی را نشان نمی‌دهد. این یافته می‌تواند در خصوص وجود و اهمیت تأثیر آموزش‌های محیط‌زیستی از طرق مختلف نیز اهمیت داشته باشد. برای مثال، افراد کمترین میزان ارائه اطلاعات و آموزش در زمینه محیط‌زیست را در دروس دانشگاهی و مباحث مطرح‌شده در دانشگاه‌ها عنوان کرده‌اند. ضمن اینکه روزنامه و مجلات را منبع غنی‌تری در مقایسه با سایر منابع تشخیص داده‌اند.

برای تبیین و بررسی بیشتر از ضریب همبستگی پیرسون و همچنین رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. نتایج آزمون‌های همبستگی نشان داد که بین احساس کارآمدی و فرصت‌ها و امکانات ارائه‌شده با فرهنگ محیط‌زیستی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. همچنین، رابطه بین آموزش محیط‌زیستی و فرهنگ محیط‌زیستی معنادار و مثبت است. بدین معنا که هرچه

آموزش‌های محیط‌زیستی بیشتر باشد، فرهنگ محیط‌زیستی بیشتر است. به اعتقاد شوماخر (۲۰۱۳)، یکی از راه‌های توسعه فرهنگ محیط‌زیستی، اقدامات آموزشی است. تحقیقات بسیاری بر اهمیت طیف وسیعی از آموزش محیط‌زیستی اشاره کرده‌اند و بر این نکته تأکید دارند که آموزش محیط‌زیستی محدود به فعالیت‌های کلاسی یا برنامه درسی رسمی نمی‌شود، بلکه شامل فعالیت‌های فوق‌برنامه و سایر آموزش‌های غیررسمی و حتی آموزش از طریق گروه‌های مرجع (مانند والدین، همسالان و ...) نیز می‌شود (شلی^۱ و همکاران، ۲۰۱۲: ۶). به نظر می‌رسد که برای بررسی تأثیر انواع آموزش‌های محیط‌زیستی در افزایش و بهبود فرهنگ محیط‌زیستی نیاز به آزمایش‌هایی از قبیل پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل باشد. با این حال، به دلیل مشکل زمان، هزینه و سایر کاستی‌ها دیگر، امکان این بررسی وجود نداشت.

نکته جالب‌توجه در این پژوهش، در مورد دانش محیط‌زیستی است که رابطه معناداری با فرهنگ محیط‌زیستی ندارد. نتایج تحقیق فاضلی و جعفر صالحی (۱۳۹۲) حکایت از عدم ارتباط بین دانش محیط‌زیستی و رفتار محیط‌زیستی دارد. گرچه به نظر می‌رسد که افرادی که در مورد اهمیت و لزوم چیزی اطلاع داشته باشند، نگرش مثبت‌تری به آن خواهند داشت. علاوه بر این، هنجار اجتماعی نیز با فرهنگ محیط‌زیستی رابطه معنادار را نشان نمی‌دهد. حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۱)، پاوو^۲ و پیتگین^۳ (۲۰۱۰) و مهمت‌اوغلو^۴ (۲۰۱۰)، به این نتیجه دست یافته‌اند که هنجارهای اجتماعی عامل تعیین‌کننده مهمی برای رفتارهای محیط‌زیستی هستند. آنها بر این باورند که مشاهده رفتار دیگرانی که در همسایگی مان زندگی می‌کنند، به احتمال زیاد بر ما تأثیر چشمگیری دارد، به‌ویژه زمانی که این رفتارهای قابل مشاهده به‌عنوان هنجار (اینکه ما باید چگونه رفتار کنیم) شناخته شوند.

در انتها، تحلیل رگرسیون چندمتغیره برای بررسی دقیق‌تر و سنجش سهم متغیرها در پیش‌بینی متغیر وابسته (فرهنگ محیط‌زیستی) به‌صورت جداگانه صورت گرفت. در پژوهش حاضر برای انجام تحلیل رگرسیونی، متغیرهایی که همبستگی شان با متغیر وابسته به اثبات رسیده بود، وارد مدل رگرسیونی شدند. همان‌طور که مشاهده شد، مقدار ضریب تعیین آزمون رگرسیون در پژوهش حاضر بسیار پایین بود و میزان درصد تبیین‌شده واریانس متغیر وابسته



1. Schelly
2. Pauw
3. Petegen
4. Mehmetoglu

درصد پایینی را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد، علاوه بر متغیرهای مذکور و مطالعه شده در این تحقیق، عوامل دیگری در پیش‌بینی فرهنگ محیط‌زیستی نقش داشته باشند. از سویی، در مورد نتایج حاصل از پرسش‌نامه و خوداظهاری با شک و تردید باید برخورد کرد، زیرا رفتار، عملکرد و عقاید واقعی افراد ممکن است خلاف آن چیزی باشد که بیان می‌کنند. لذا، انجام بررسی‌های بیشتر و بهره‌گیری از سایر فنون برای بررسی فرهنگ محیط‌زیستی و عوامل واقعی مؤثر بر آن ضروری است. نکته قابل توجه دیگر در این پژوهش، معنادار بودن متغیرهای احساس کارآمدی و فرصت‌ها و امکانات ارائه شده در آزمون رگرسیون است. در واقع، این دو متغیر عوامل تعیین‌کننده‌ای در بهبود و ایجاد فرهنگ محیط‌زیستی به‌شمار می‌روند. گاهی اوقات فرد نگرش مثبت دارد و حتی احساس مسئولیت در قبال محیط‌زیست می‌کند، اما از آنجایی که فرصت مقتضی و امکانات متناسب با آن شرایط وجود ندارد و از سویی فرد احساس می‌کند که توانایی تغییر مسائل را ندارد، دلسرد می‌شود و اقدامی انجام نمی‌دهد. بدین ترتیب، ممکن است افراد رفتار محیط‌زیستی و حمایت‌کننده از محیط‌زیست از خود نشان ندهند.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۲۱۱

تحلیلی بر مؤلفه‌های
ارتقای فرهنگ...

هانگرفورد^۱ و والک^۲ معتقدند که شهروندان باید از مسائل مربوط به محیط‌زیست آگاه باشند و در خصوص آنها حساسیت داشته باشند. همچنین باید فهم و درک پایه از محیط‌زیست داشته باشند و برای بهبود محیط‌زیست دارای انگیزه باشند و مهارت‌های لازم برای حل مسائل محیط‌زیستی را بیاموزند و فعالانه درصدد حل مشکلات برآیند (کرو و^۳، ۲۰۱۳: ۷۷). بنابراین برای داشتن چنین شهروندانی باید تلاش کرد. دی‌یونگ^۴ (۱۹۹۳) روش‌هایی برای تحریک به تغییر رفتار معرفی کرده است: ۱. تکنیک اطلاعاتی ۲. تکنیک انگیزشی ۳. تکنیک انگیزشی اجباری. به اعتقاد وی، هدف تکنیک اطلاعاتی، کمک به مردم برای فهم و درک مشکلات محیط‌زیستی‌ای است که با آن مواجه هستند و همچنین شناخت رفتارهای لازم برای حل این مشکلات و در نهایت مراحل اقدام عملی در راستای آن است. برای مثال، از این تکنیک انتظار می‌رود که نگرش و عقاید فردی را درباره مسائل تغییر دهد، آنها را به عمل مناسب وادارد و همچنین اطلاعات مناسب را برای تحریک آنها به رفتار درست و مناسب ارائه دهد. تکنیک انگیزشی مثبت یکی از انواع مداخله برای تشویق یا جلب مردم در جهت تغییر رفتار از طریق

1. Hungerford
2. Volk
3. Crowe
4. De Young

تقویت‌های پولی یا اجتماعی است. برای مثال، برای کسانی که مصرف آب آنها کاهش یافته است، جوایزی در نظر گرفته شود یا از طرق اجتماعی معرفی شوند. تکنیک/انگیزشی اجباری تلاش می‌کند تا رفتار افراد را با مجازات (تنبیه) پولی یا اجتماعی تغییر دهد. برای مثال، جریمه کردن کارخانه‌های آلوده‌کننده محیط‌زیست یا فشار اجتماعی برای دور انداختن زباله‌ها. به نظر می‌رسد که برای ترویج فرهنگ محیط‌زیستی باید از شیوه‌های پیشنهادی دی‌یونگ بهره گرفت. به عبارت دیگر، افزایش شناخت در مورد مسائل و تخریب‌های محیط‌زیستی، علل به وجود آورنده مسائل محیط‌زیستی، شیوه‌های پیشگیری و یا ترمیم تخریب‌های محیط‌زیستی و کم به فهم آنها را می‌توان با استفاده از تکنیک اطلاعاتی برای گروه‌های مختلف مردم در جامعه اجرا کرد. البته دو تکنیک دیگر، زمانی کارایی پیدا می‌کند که فرصت‌ها و زیرساخت‌های لازم برای رفتار محیط‌زیستی مناسب فراهم شده باشد.



منابع

- ادهمی، عبدالرضا و اکبرزاده، الهام (۱۳۹۰). بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط‌زیست شهر تهران (مطالعه موردی مناطق ۵ و ۱۸ تهران). *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ۱(۱)، ۶۲-۳۷.
- افقی، نادر و صادقی، عباس (۱۳۸۸). مطالعه تطبیقی ارزش‌ها و هنجارها و رابطه آنها با آنومی؛ مطالعه موردی دانشجویان ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه گیلان. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۲(۸)، ۱۰۶-۶۵.
- امامقلی، لقمان (۱۳۹۰). *بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه موردی: استان کردستان)*. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- باطبی، محبوبه و سلطانی، شهره (۱۳۹۲). استراتژی‌های افزایش مشارکت زنان روستایی در مدیریت محیط‌زیست ایران. *مجله کشاورزی و توسعه پایدار*، ۴۷، ۲۹-۲۳.
- حقیقتیان، منصور؛ پورافکاری، نصرالله و جعفری‌نیا، غلامرضا (۱۳۹۱). تأثیر رفتارهای اجتماعی زیست‌محیطی بر توسعه اجتماعی. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۵(۱)، ۱۵۲-۱۳۵.
- حمیدیان، علی (۱۳۹۰). لزوم توجه به فرهنگ زیست‌محیطی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه تهران)، نخستین همایش باغ‌گیاه‌شناسی ملی ایران، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، باغ‌گیاه‌شناسی ملی ایران.
- ربانی، علی و ماهر، زهرا (۱۳۹۱). علم و فرهنگ: تأملی بر مهم‌ترین تحلیل‌های فرهنگی در جامعه‌شناسی علم و فناوری. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۵(۱)، ۸۹-۶۳.
- شاهنوشی، مجتبی و عبداللهی، عظیمه‌السادات (۱۳۸۶). تحلیلی بر فرهنگ محیط‌زیستی مردم اصفهان و برخی از عوامل مؤثر بر آن. *مجله پژوهش علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۲۳، ۳۴-۱۵.
- شیرینی، سیدمحمد؛ فرج‌اللهی، مهران، کوهی‌ا قدم، الهام و ميبودی، حسین (۱۳۹۲). رابطه میزان استفاده از رسانه‌های جمعی (با تأکید بر تلویزیون) با ارتقای سطح سواد زیست‌محیطی معلمان. *فصلنامه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی*، ۴(۱)، ۴۰-۲۳.
- شیرینی، سیدمحمد؛ قائمی، آلاله و قائمی، پونه (۱۳۹۲). بررسی روند آموزش محیط‌زیست در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور و ارائه راهکارهای مناسب جهت اجرای آموزش محیط‌زیست. *فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار*، ۴(۴)، ۴۰-۲۹.
- صالحی، صادق، همتی گویمی، زهرا (۱۳۹۱). بررسی آگاهی نسبت به ضایعات الکترونیکی و الکتریکی در آموزش عالی ایران. *دومین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت محیط‌زیست*.
- فاضلی، محمد و جعفرصالحی، سحر (۱۳۹۲). شکاف نگرش، دانش و رفتار زیست‌محیطی گردشگران. *فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری*، ۲۲، ۱۶۱-۱۳۷.
- کریم‌زاده، سارا (۱۳۸۹). *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای محیط‌زیستی (مصرف انرژی)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، واحد تهران.
- کمالی مهاجر، مرضیه و فراهانی، بنفشه (۱۳۹۱). فرهنگ زیست‌محیطی راهکاری جهت توسعه گردشگری پایدار. *اولین همایش ملی گردشگری و طبیعت‌گردی ایران زمین*.



- Crowe, J.L. (2013). Transforming environmental attitudes and behaviors through eco-spirituality and religion. *International Electronic Journal of Environmental Education*, 3 (1), 75-88.
- De Young, R. (1993). Changing behaviour and making it stick: The conceptualization and management of conservation behaviour. *Environmentalist*, 30.
- Dietz, T.; Fitzgerald A. & Shwom R. (2005). Environmental values. *Annual Review of Environment and Resources*, 30, 335-372.
- Environmental Performance Index (EPI) report, (2014). Available in: <http://epi.yale.edu/epi/country-profile/iran>. Access in: 04/16/2015
- Hines, J.M.; Hungerford, H.R. & Tomera, A.N. (1986). Analysis and synthesis of research on responsible environmental behavior: A meta-analysis. *Journal of Environmental Education*, 18 (2), 1-8.
- Isaac-Márquez, R.; Salavarría García, O.; Eastmond Spencer, A.; Ayala Arcipreste, M.; Arteaga Aguilar, M.; Isaac-Márquez, A.; Sandoval Valladares, J. & Manzanero Acevedo, L. (2011). Environmental culture in high-school students. Case study of environmental education at the high-school level in campeche. *Revista Electrónica de Investigación Educativa*, 13 (2), 1-17.
- Kollmuss, A. & Agyeman, J. (2002). Mind the gap: Why do people act environmentally and what are the barriers to proenvironmental behavior?. *Environmental Education Research*, 8 (3), 239-260.
- Mehmetoglu, M. (2010). Factors influencing the willingness to behave environmentally friendly at home and holiday settings. *Scandinavian Journal of Hospitality and Tourism*, 10 (4), 430-447.
- Metcalf, A. Y. (2012). *Green culture: The impact of employee environmental culture*. Southeast Decision Sciences Institute Conference, Hilton Columbia Center Columbia, South Carolina, February 29 - March 2, 2012.
- Minton, A.P. & Rose R.L. (1997). The effects of environmental concern on environmentally friendly consumer behavior: An exploratory study. *Journal of Business Research*, 40 (1), 37-48.
- Pauw, J.B. & Petegen, P.V. (2010). A cross-national perspective youth environmental Attitude. *Environmentalist*, 30, 133-144.
- Pietikäinen, J. (2007). *Slow start at the beginning of the recycling chain – How to make consumers recycle their mobile phones?*. Master's thesis, University of Helsinki, Faculty of Biosciences, Department of Biological and Environmental Sciences.
- Rajput, N. & Bajaj, P. (2011). Pro environmental attitude and green buying - An empirical Analysis. *Journal of Management and Information Technology*, 3 (1), 59-81.
- Saunders, C.D; Brook, A.T. & Myers, O.E. (2006). Using psychology to save biodiversity and human well being. *Conservation Biology*, 20 (3), 702-705.
- Schelly, Ch; Cross, J.E.; Franzen, W.S.; Hall, P. & Reeve, S. (2012). How to go green:



Creating a conservation culture in a public high school through education, modeling, and Communication. *Journal of Environmental Education*, 43 (3), 701-705.

Schumacher, I. (2013). *The endogenous formation of an environmental culture*. Working Paper, Ipag Business School.

Shobeiri, S.M.; Alihosseini S.H.; Meiboudi H. & Saradipour A. (2015). Preschool educators qualifications for environmental education of children in Iran. *Journal of Educational and Management Studies*, 5 (1), 22-26.

Wang, Zh.; Zhang, B.; Yin, J. & Zhang, X. (2010). Willingness and behaviour towards e-waste recycling for residents in Beijing city. *Journal of Cleaner Production*, 19 (9-10), 977-984.

Willuweit, L. (2009). *Promoting pro-environmental behavior. An investigation of the cross-cultural environmental behavior patterns, The case of Abu Dhabi*. Thesis for Master degree, Department of Human Geography, Stockholm University.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۲۱۵

تحلیلی بر مؤلفه‌های
ارتقای فرهنگ...